

بنابر تعریف، دیه یا خونیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است^(۷۲) و طبق ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی، دیه عبارتست از: «مالی که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود.»

مراد از دیه، همان ودیه است «و آن حذف و «ها» به جای آن در آخر کلمه افزوده شده است. پس دیه در اصل ودی یا ودیه بوده است.^(۷۳)

در حدیث قسامه آمده است: «فوداه من ابل الصدقة»، (پیغمبر خدا «ص» دیه کشته را از شترهای زکات دادند.» متعاقب حدیث مذکور، دیه از نظر فرق مختلف مذاهب اسلامی تعریف شده است. فقهای اسلامی نیز در این باب نظرات متفاوتی را عنوان نموده اند.

اما در خصوص آنچه که مربوط به دیه اهل کتاب است، می توان صراحتاً بیان نمود که قانون مجازات اسلامی در این باره سکوت است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در قانون مرقوم آورده است: «دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است...» و به نظر قضات و حقوقدانان، مراد مقنن از ذکر لفظ «مرد مسلمان» این بوده که دیه مرد غیر مسلمان از شمول این ماده خارج می باشد و به اصطلاح حقوقی، از معنی مخالف این ماده چنین استنباط می گردد که دیه غیر مسلمانان یا مسلمانان یکی نیست.

در غیر اینصورت باید در ماده مذکور ذکر می گردید: «دیه قتل هر مردیکی از امور ششگانه ذیل است.»^(۷۴) لذا با عنایت به تکلیف صریح قانون اساسی، مبنی بر اینکه قضات محاکم دادگستری موظف هستند که حکم هر دعوا را در قوانین بیابند و در صورت اجمال قانون و یا سکوت بودن آن با استناد به منابع یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند^(۷۵)، قضات محاکم دادگستری ملزم به تعیین تکلیف و صدور حکم نسبت به موضوع دیه اقلیت های دینی با رعایت موازین فقهی می باشند.

ظاهر قضیه چنین است که در منابع فقهی، نسبت به مقدار دیه اهل کتاب نظرات متفاوتی بیان شده است. گروه نخست معتقدند که دیه یهودیان و مسیحیان و به روایتی زرتشتیان، مثل دیه مسلمین است، بدون هیچ تفاوتی^(۷۶) دلیل این عده نیز روایتی است که ابن عباس از پیغمبر اسلام نقل نموده است. در روایت مذکور چنین نقل شده است: «... آن حضرت به دو عامری که با پیغمبر پیمان بسته بودند و عمر و بن امیه آن دو را کشت، با صد شتر دیه هر یک را پرداخت و نیز پیغمبر فرمود: دیه هر عبدی هزار دینار است...»^(۷۷) همچنین اینکه نقل شده، ابو بکر و عمر نیز دیه کافر ذمی را مانند دیه مسلمان قرار دادند. این گروه استدلال می نمایند که از ظاهر آیه شریفه «و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلمة الی اهلہ» چنین مستفاد می گردد که خون اهل کتاب محترم است^(۷۸) و با توجه به اینکه اهل ذمه تحت تابعیت حکومت اسلامی می باشند، لذا بر حسب میثاق فیما بین با ولی امر مسلمین بیعت نموده و بنابر اصل، از امتیازات و حقوق اسلامی بهره مند می باشند، زیرا آنان خود را در خانه اسلام و پناه حکومت اسلام قرار داده اند و وجوباً ملحق به مسلمانان می شوند و این الحاق موجب مباحات و فزونی است. گروه دوم فقهای مالکی و حنبلی و شیعه زیدی و اباضی هستند که می گویند مقدار دیه کافر ذمی نصف دیه مسلمان است و دیه مجوسی (زرتشتی) هشتصد درهم است. گروه سوم که شامل فقهای مذهب شافعی می باشند می گویند دیه کافر ذمی، ثلث مسلمان آزاد است و دیه مجوسی ثلث خمس دیه مسلمان است. گروه چهارم، معتقدند که یهودی، نصرانی و مجوسی (زرتشتی) همه کفار ذمی هستند و دیه هر یک از آنها فقط هشتصد درهم می باشد و ما بین آنها قائل به تفاوت نیستند.^(۷۹)

جدای از مسئله دیه، در آیات قرآن در مورد قصاص و قتل نفس با دو دسته آیات برخورد می کنیم، یکی «النفس بالنفس» است (سوره مائده) که از نظر زمانی پس از آیاتی آمده که گفته است «الحر بالحر» «العبد بالعبد» «الانثی بالانثی» (سوره بقره آیه ۱۷۷) که هتاد و نهمین سوره نازل شده است. آزاد با آزاد، برده به جای برده و زن در مقابل زن به کار برده شده است. ذکر این موارد، بدین منظور است که در قصاص ارزشیابی دقیق و منصفانه، طبق عرف انجام بگیرد. البته این نکته جالب است که در هیچکدام از آیات قصاص، بحث مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد. غیر مسلمان باید در نظام اسلامی در پناه مقررات عادلانه اسلام در امنیت و حمایت کامل زندگی کند نه اینکه شینده شود گاهی آنقدر سختگیری نسبت به آنها می شود که قصد

مهاجرت می کنند.^(۸۰)

در کتاب جواهر الکلام به نقل از برخی روایات آمده است که حضرت امام صادق (ع) و رسول اکرم (ص)، دیه یهودیان و نصرانیان (مسیحیان) و مجوسیان (زرتشتیان) را با مسلمانان برابر دانسته اند.^(۸۱) «فبی بعض الروایات من صادقنا ان دية اليهودی و النصرانی و المجوس دية المسلم قال الصادق (ع) فی صحیح ابان بن تغلب: دية اليهودی و النصرانی و المجوس دية المسلم و فی خبر زرارة: من اعطای رسول الله (ص) ذمة فدية كاملة» (وسائل باب ۱۴ حدیث ۴/۳/۲، تهذیب جلد ۱۰ ص ۱۸۷، استنبصار جلد ۴ ص ۲۶۹).

ولی اکثر علمای امامیه معتقد به نظر چهارم هستند و این تبعیض آشکار فیما بین مقدار دیه غیر مسلمان و مسلمان، علاوه بر ایجاد خوراک خیزی برای نهادها و سازمانهای بین المللی، نگرانی های فراوانی را نیز برای ایرانیان و علی الخصوص کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایجاد نموده است. این مباحث تا جایی شکل پذیرفت که عده ای بیان نمودند در حال حاضر، قرارداد ذمه ای بین اقلیتها و حاکمیت اسلامی وجود ندارد، همه شهروندان اسلامی اند و میثاق ملی را پذیرفته اند و همه نیز مالیات و عوارض شهری می دهند. به خدمت نظام و وظیفه نیز همه می روند و در زمان دفاع در مقابل دشمن نیز حتی به استقبال شهادت می روند. دیگر جزیه ای از اقلیتها گرفته نمی شود. بعضی از آقایان علماً نیز چنین اظهار نظر کردند که همه شهروندان جمهوری اسلامی اند و خودشان را ملتزم به قانون می دانند و هر کس چه مسلمان و چه غیر مسلمان قانون را نقض کرد، تاوانش را باید پس دهد. فلذا گفته می شود که الان باید تعریف جدیدی از حقوق شهروندی مبتنی بر عدالت ارائه کرد. در جلسات کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز این مسئله با حضور نمایندگان محترم اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی مطرح گردیده و کمیسیون نیز مساعدت و همکاری خود را جهت رفع این مسئله اعلام نموده است. پیگیری این امر توسط نمایندگان محترم اقلیت های دینی به جایی رسیده که برخی از علما و آیات عظام در پاسخ به استفتائات به عمل آمده چنین بیان داشته اند:

۱. «دیه یهودی و نصرانی و مجوس و هر غیر مسلمانی که در بلاد اسلامی به حکم قوانین و مقررات آن محترم شمرده شده و یا در غیر بلاد اسلامی حسب قراردادهای بین المللی مورد قبول حکومت اسلامی از احترام متقابل برخوردار هستند و جانشان و بدنشان همانند مالشان به حکم میثاق محترم است و گرچه بین نصوص و فتاوی امامیه همچون علمای عامه مورد اختلاف است لکن، اقوی بنظر اینجانب وفاقاً للصدوق فی الفقیه و استناداً

هر چند پیش نویس قانون برابری دیه ایرانیان غیر مسلمان با سایر هموطنان به کمیسیون مربوطه ارائه گردیده است ولی با توجه به مفاد آن می توان چنین استنباط کرد که پیش نویس مذکور از هدف اصلی خود منحرف شده و با عنوان جبران ما به التفاوت دیه اهل کتاب از طریق که مصلحت باشد، عملاً اثرات بازدارندگی مربوط به مجازات جانی مبنی بر پرداخت دیه را از بین می برد

الی صحیحه زرارة و ابان بن تغلب عن الصادق علیه السلام آن است که دیه آن ها در خطا و شبه عمد مساوی با دیه مسلمان است و حکم مسئله نیز در مجمع المسائل اینجانب مسئله ۱۸۷۳ از کتاب القصاص بیان شده است... امید آنکه خداوند همگان را توفیق عمل به احکام نورانی اسلام و تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی منطبق با موازین اسلامی که در اصل ۲ قانون اساسی آمده، را عنایت فرماید... و همگان به قاعده الزام و همنهستی مسالمت آمیز ایمان و اعتقادی زیادتیر پیدا کرده و بدانیم که در اسلام حقوق همه انسانها همراه با عدالت حفظ شده و می شود. (۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۴ - حضرت آیت الله العظمی صانعی دامت برکاته).

